



عکس: پیام ثانی، ایرنا

مولدسازی عرصه عمومی؟

سیدهادی حسینی
پژوهشگر شهرسازی



مولدسازی همانند بسیاری دیگر از واژه‌های کلیدی و بااهمیت، به واسطه اقدامات شتاب‌زده، گرفتار معانی متعدد غیررسمی شده و معنای اصلی آن به حاشیه رفته است. واژگانی که چوب بی‌تدبیری‌ها را می‌خورند و

چنان اعتبارشان از دست می‌رود که معنای محصل آن دیگر به‌راحتی قابل بازگشت نخواهد بود. در شرایطی که مصوبه مولدسازی دارای‌های دولت مراحل اجرایی را طی کرده و چشمان نگران بی‌شماری، عمدتاً با نگاهی بدبینانه بند بند این مصوبه را زیر ذره‌بین قرار داده‌اند، لازم است تا مجموعه حاکمیت با انجام برخی اقدامات مدبرانه، حس نیت خود را در مورد تصویب این مصوبه به اثبات برساند و معنای حقیقی و اعتبار از دست‌رفته واژگان را دوباره به آنان بازگرداند. درحالی‌که شکاف‌های عمیق بین اذهان مسئولان و مردم ایجاد شده و گسل‌های ژرف میان نگاه‌ها برقرار است و هرگونه اقدام دولتی با واکنش‌های تند عمومی مواجه می‌شود، مسئولان باید در عمل نشان دهند که مطلوب مد نظر آنان، نه بهره‌برداری‌های مقطعی و زودگذر که حرکت در راستای تحقق منفعت عمومی است.

طی سالیان اخیر، گستره تملک دولت بر بسیاری از اماکن و فضاهای شهری به‌مرور افزایش یافته و به‌تدریج بخش قابل توجهی از فضاهای عمومی، ابتدا به فضای نیمه عمومی و سپس خصوصی تبدیل شده‌اند. فضاهایی که به ظاهر نام دولتی یا عمومی دارند، اما به واسطه واگذاری به دستگاه‌های صاحب نفوذ، به ملک طلق آنان بدل و فضا در انحصار قشر خاصی، طبقاتی شده است. محوطه‌های وسیعی که امروز در اختیار این‌ها قرار دارد، در گذشته نه‌چندان دور بخشی از حیات جمعی و مکان خاطره‌سازی مردم بود و این روزها شهروندان مجازند فقط از پشت حصارها خاطرات خود را نظاره‌گر باشند. از طرف دیگر بسیاری از املاک تصاحب‌شده توسط بخش دولتی بلااستفاده رها شده و نه‌تنها منفعتی برای مردم ایجاد نمی‌کند که برای دولت هم نفعی ندارد. حالا که عزمی راسخ برای گشودن قفس آهنین (به تعبیر ماکس وبر) وجود دارد و فرصت مغتنمی برای بهره‌برداری از اموال و املاک مازاد و بلااستفاده دولتی پدید آمده است، نباید از این کورسوی امید در راستای تأمین منافع زودگذر این دولت و آن دولت؛ که باید در جهت تأمین نفع پایدار همگان بهره‌بریم، علی‌رغم اینکه محتوای سند مولدسازی، ابهامات و کژتابی‌های فراوانی دارد، اما اگر مجریان این نکته را مد نظر داشته باشند که مولدسازی فقط فروش ملک و بهره‌برداری از منفعت مالی آن در پیشبرد امور جاری نیست، می‌توان از ظرفیت پدیدآمده بیشترین بهره‌مکن را برد. گسترش فضای همگانی برای یک شهر و بسترسازی برای ایجاد عرصه عمومی، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی منجر شود و چنان ارزش افزوده‌ای ایجاد کند که اثرات آن تا دهه‌ها پایدار بماند. هانا آرنه معتقد است عرصه عمومی به سبب موجودیتش، یادآور زندگی جمعی و عضویت تأثیرگذار تک‌تک افراد است. اگر می‌خواهیم بخشی از اعتماد از دست‌رفته به جامعه و به‌ویژه قشر جوان بازگرد، هرچند به میزان اندک، خود را متعلق به جامعه بدانند و احساس کند حداقل تأثیرگذاری را در جامعه خویش دارد، و باید شرایط استفاده از عرصه عمومی به شکل آزادانه برای مردم فراهم شود. امروز جامعه در شرایطی قرار دارد که بیش از هر زمان دیگر نیاز به برقراری زمینه گفت‌وگو و تعامل میان گروه‌های مختلف و اقل‌ساز گوناگون احساس می‌شود و چه جایی بهتر از فضای عمومی شهر؛ فضایی که امکان رسیدن به یک توافق جمعی واقعی را به حداکثر می‌رساند. شایسته است که دولت، از فرصت پدیدآمده در راستای تحقق نفع همگانی و برآوردن رؤیای دیرباز مردم استفاده کند؛ و اولاً فضاهای عمومی اشغال‌شده توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی را به مردم بازگرداند و در ثانی فضایی برای تعامل جمعی و بستری برای گفت‌وگو و همگانی فراهم آورد.

ساعتی زندگی در بازار تجریش

متنصوره محمدی



جریان زندگی چنان قوی در بازار تجریش نفوذ کرده که خرید شب‌عید از این بازار حالا برای برخی از تهرانی‌ها به یک جور رسم و سنت تبدیل شده است. جایی که شبیه همه‌جاست و هیچ‌جا مانند آن نیست.

این را یکی از رهگذران بازار می‌گوید، یک سبزه کوچک که هنوز نور آفتاب به‌خوبی در آن جاری نشده در دست راست او و تعدادی نایلون کوچک در دست دیگرش است. وسیله‌های سفره‌هفت‌سین را از تجریش می‌خرد، می‌گوید: «حال و هوای بازار در آستانه عید از زندگی لبریز است، می‌توانم وسیله‌ها را از جای دیگری هم تهیه کنم، اما زندگی اینجا جاری است و برایم برکت می‌آورد. سال‌هاست که خرید سفره‌هفت‌سین خانه را به بازار تجریش گره زده‌ام». بازار تجریش محل طلاق جنوبی‌ترین و شمالی‌ترین نقاط تهران است؛ این ویژگی را به‌ویژه پس از راه‌اندازی مترو تهران به وضوح می‌توان دید. شاید به همین دلیل باشد که خرید کردن از بازار، فقیر و غنی نمی‌شناسد، همه می‌توانند از آن اندک خریدی داشته باشند. بازار برای متروسوارها از ورودی میدان قدس آغاز می‌شود. دستفروش‌ها یک طرف و مغازه‌های قدیمی و میوه‌فروشی و رستوران‌ها در سمت دیگر، اولین حلقه‌های بازار تجریش را برای مسافران متروسوار شکل می‌دهد. یک راهرو بزرگ مسقف، با مغازه‌هایی که بوی سوهان و گز آماده طبخ از آنها به مشام می‌رسد و حجره‌هایی با کاشی‌کاری‌های ایرانی و نماهای آجری، مخاطب را به میدان اصلی بازار تجریش می‌رساند. در اینجا یک میدان مربع‌شکل با سقف‌های چوبی، لامپ‌های ال‌ای‌دی، آویزان از چوب‌ها، تصویر خاطره‌ها و یادها از قدیمی‌های بازار، در کنار سبزی‌ها و میوه‌هایی با طیف متنوعی از رنگ‌ها، همه از دل میدان اصلی بازار تجریش بیرون زده‌اند. اینجا جایی است که همچون بازارهای سنتی، مسجد و حسینیه‌هایی در دل آن قرار دارد و در ایام مذهبی به‌ویژه ماه محرم پیونددهنده چندین محله است. پیوندی که اتحاد بازاری‌های تجریش را در یک گردهمایی مشترک سالانه به رخ همگان می‌کشد.

شاید الهام از طبیعت است که بازار مسقف تجریش را با وجود همه دخالت‌های قدیمی و جدید ایجادشده در آن که قصدش زنده نگه‌داشتن بازار بوده، پر از شور زندگی نگه داشته است. همه چیز از آب و هوای خاص و ویژه تابستانی دریند و شمیرانات شروع شد. با کوچ بهاره و تابستانه به این منطقه، مردم از محلات و روستاهای اطراف، میوه‌های تازه باغ‌ها را به تجریش می‌آوردند و به فروش می‌رساندند. در روایت‌ها آمده، بعد از آنکه رضاشاه تصمیم گرفت ییلاق تابستانه خود را در دریند مستقر کند، بازار رونق بیشتری هم به خود گرفت.

اما اهالی بازار خود به‌خوبی می‌دانستند که چطور رونق بازار را حفظ کنند، انبوه میوه‌های برق‌افتاده در دسته‌های منظم دور تا دور میدان تجریش را زینت داده‌اند. صاحبان غرفه‌ها هم به‌خوبی از ذائقه مخاطب باخبرند؛ در آستانه سال نو و عید، ردیف سبزه، سیب سرخ برق‌افتاده و سیرهایی که بالاتر از سفیدی بر آنها رنگی نیست، زینت میدان می‌شوند و نظر هر مخاطبی را برای تماشا هم که شده به خود جلب می‌کنند.

بازسازی مغازه‌هایی با الهام از معماری ایرانی، و اسامی حکاکی‌شده بر روی کاشی‌های آبی پررنگ نشان از تلاش برای هویت بازار می‌دهد. اما گویا میوه‌ها و سبزی‌ها از تغییرات فرهنگی در امان نمانده‌اند. سبزی‌های تازه که روزگاری از کوهستان‌ها و محله‌های دیگر نقاط ایران از بازار تجریش سر در می‌آوردند، حالا با سبزی‌های فرنگی از جمله کاهوی چینی، فرانسوی و کلم بروکلی هم‌ردیف شده‌اند. البته میوه‌ها هم به سرنوشت سبزی‌ها دچار شده‌اند؛ میوه‌هایی که زمانی از باغ‌های شمال تهران در میدان کوچک تجریش به فروش می‌رسیدند، حالا رنگ و بوی استوایی به خود گرفته‌اند. نوبرانه‌های لوکس تجریش از شرق دور، سوگلی بازار شده‌اند و البته میوه‌هایی از جنوب ایران هم به چشم می‌خورد. بازار تجریش، همان جایی است که می‌توان روح زندگی را در آن به نظاره نشست، ساعت‌ها در آن قدم زد، در رقص رنگ‌ها محصور شد و زندگی شهری را در دل سنت‌ها تجربه کرد.